

THE NEW YORK TIMES BEST-SELLING CLASSIC

"THE LONG HALLOWEEN is more than a comic book. It's an epic tragedy."

— Christopher Nolan (director *The Dark Knight Rises*)

«بتمن: هالووین طولانی»

تنظیم و بازنویسی: سید محمدعلی شیخ الاسلام نوری

(قسمت دوم)

BATMAN THE LONG HALLOWEEN



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بتمن: هالووین طولانی»



نویسنده: جف لوب

طراح: تیم سیل

1997

تنظیم و بازنویسی: سید محمدعلی شیخ الاسلام نوری

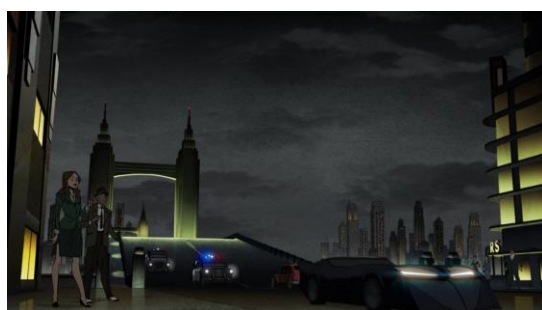
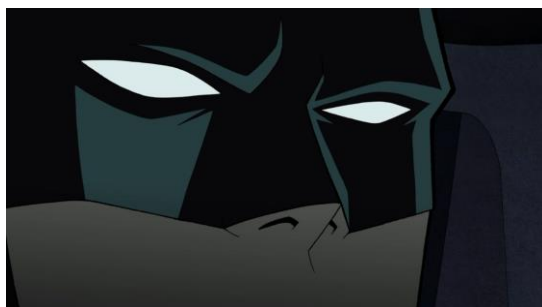
(قسمت دوم)

هالووین طولانی بیش از یک کتاب کمیک است. این یک تراژدی حماسی است.

کریستوفر نولان، کارگردان سه گانه شوالیه تاریکی



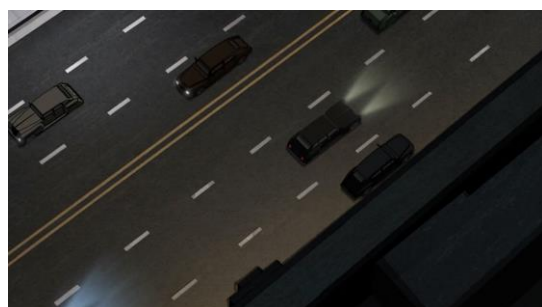




مامور پلیس: فکر نکنم بتونیم بگیریمش...



جیمز گوردون: باید بگیریمش!

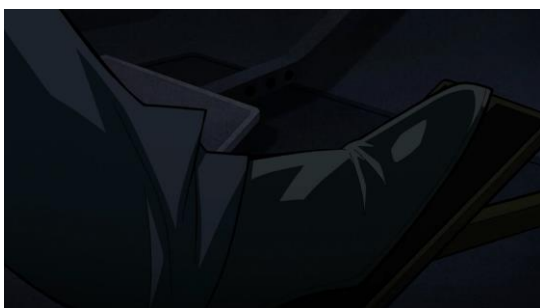


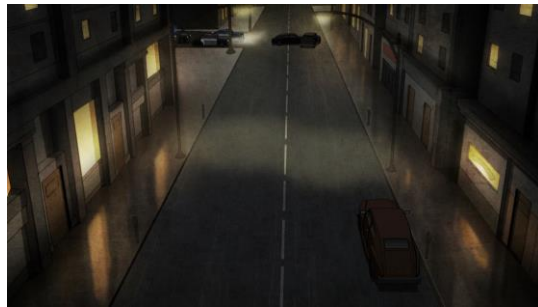
اییییییی





درررق







آلفرد پنیورث: عصر بخیر قربان!



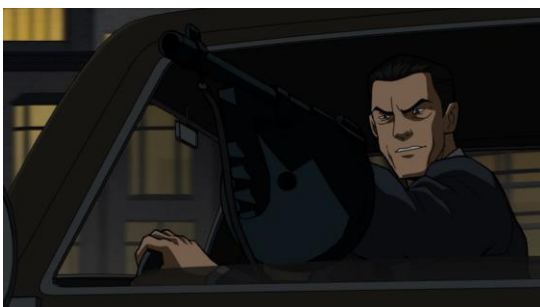
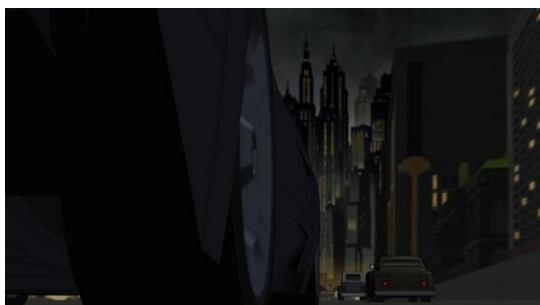
آلفرد پنیورث: بوقلمون داره کباب میشه...



آلفرد پنیورث: و دوشیزه کایل هم توی راهه...

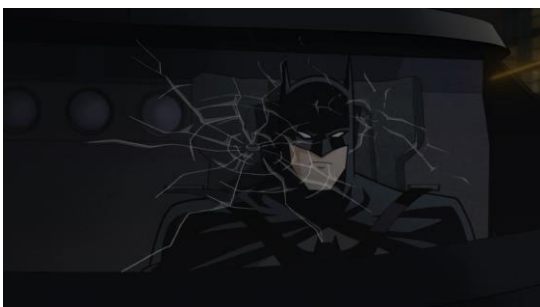


اییی





رررتتتت



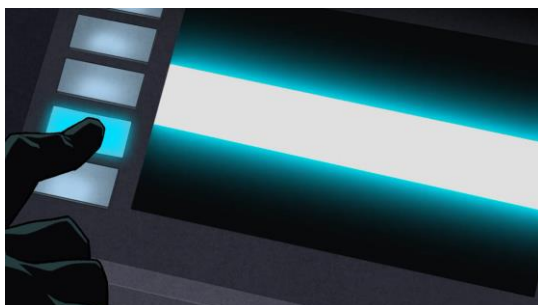
آلفرد پنیورث: اصلا به حرف‌های من گوش می‌دید؟!

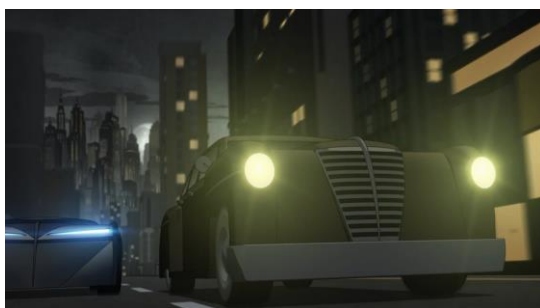


بتمن: بهش بگو نیاد، امشب نمیرسم...

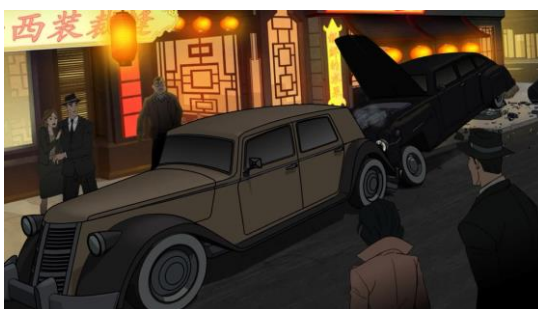
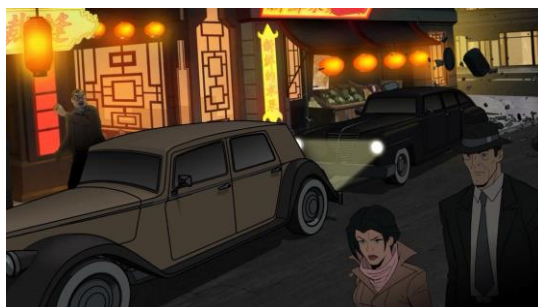


آلفرد پنیورث: قربان، این آخرین فرصته؛ اگه از دستش بدید...

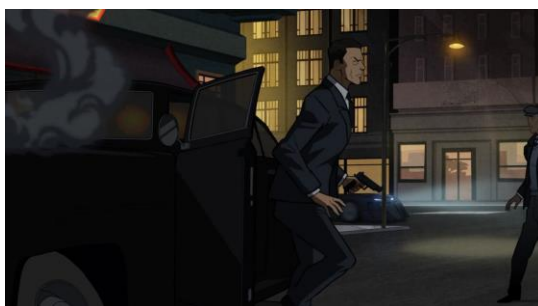
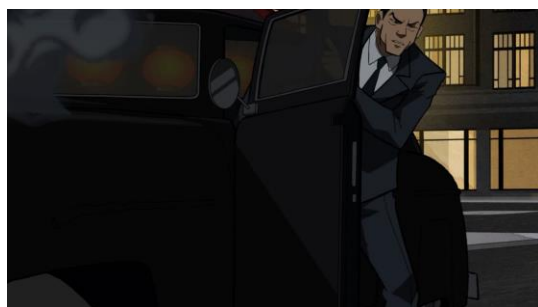




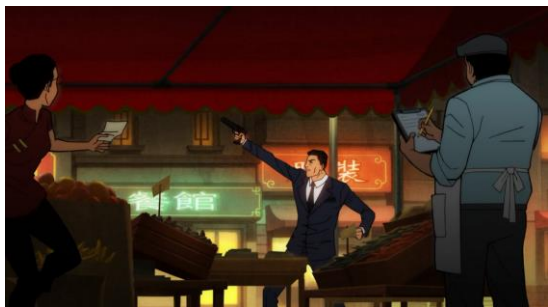
بتمن: حالا اینو دووم بیار آشغال!



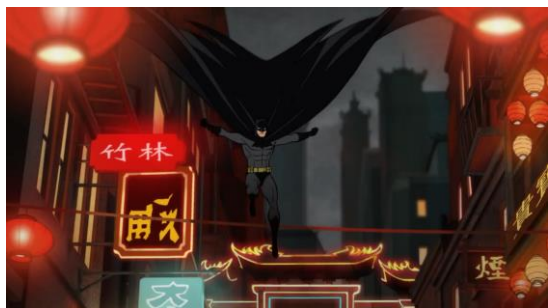
درررق







بنگ



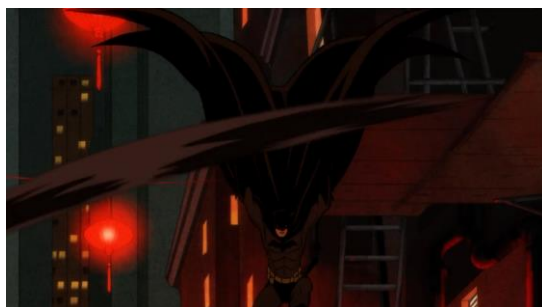


تبھکار: تګون نڅور!



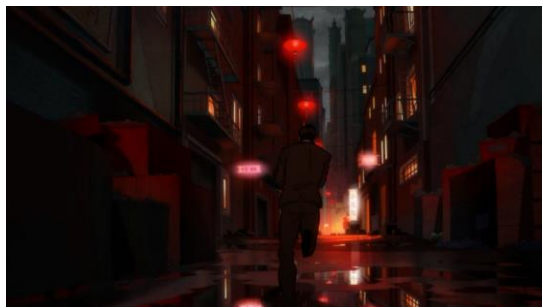


هوووج



تقی

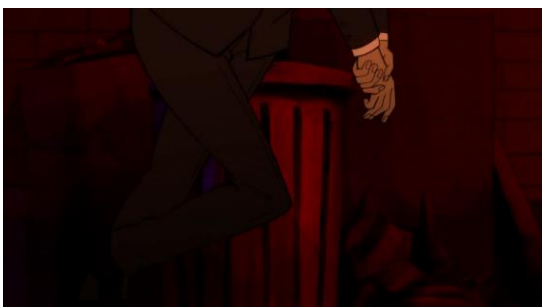


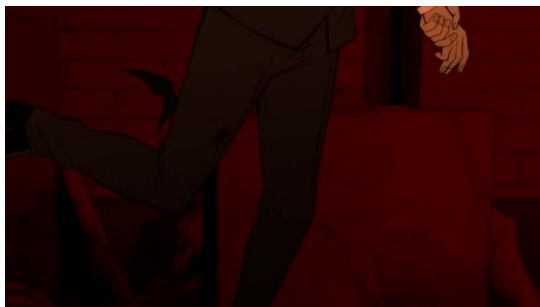


تبیهکار: ای لعنت!



هووووچ





خروج



دلق





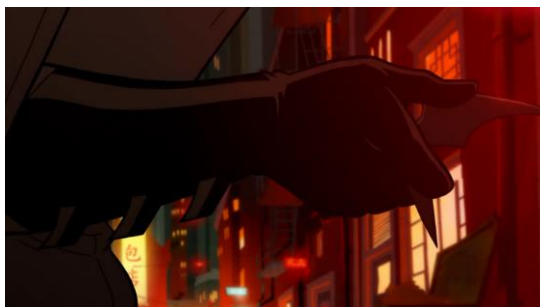
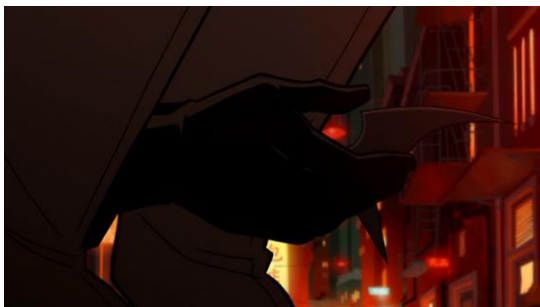
شتلق



تبهکار: آخ، کمرم!



تبیهکار: شنیده بودم تو به کسی صدمه نمی‌زنی!



خرررچ



تبیهکار: آآآآ آی!

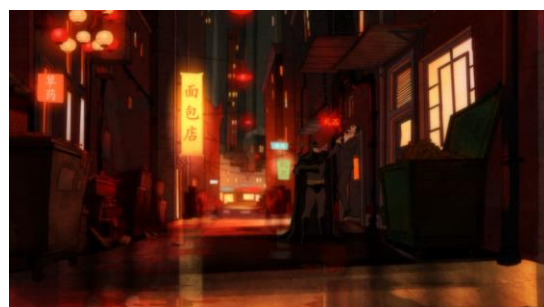


بتمن: اشتباه شنیدی!

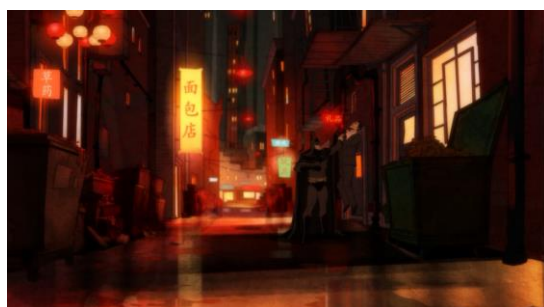




شتلق



تبهکار: آآآآآخ!



بتمن: تو دیشب، درست قبل از انفجار منزل دادستان، اونجا دیده شدی، چیکار می کردی؟



تبهکار: اومده بودم هدیه بگیرم!



شترق



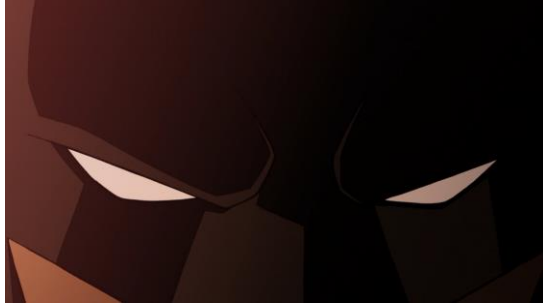
تبہکار: آآآآآی!



بتمن: خوش می گذره؟!



تبہکار: هنوز نه، ولی هر لحظه ممکنه...



هووپ



هووپ



تلق



تلق





هوووج



تق



هوووج



هوووج



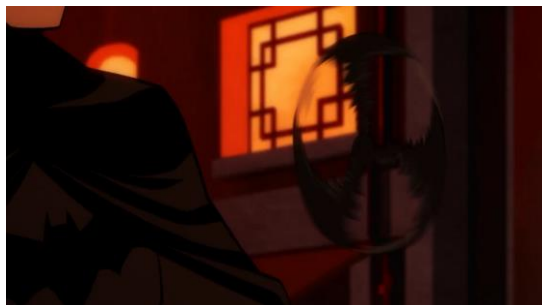
هوووج



هوووج



هوووج



هوووج



خوج





شرق



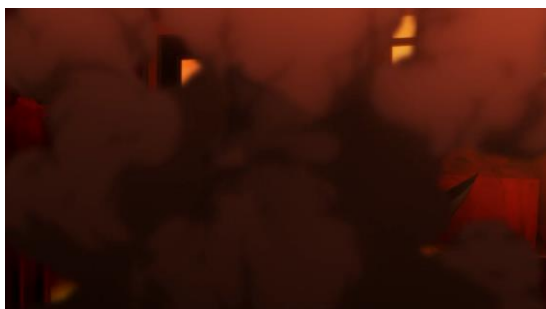
ترق





تبہکار: بکشیدش!



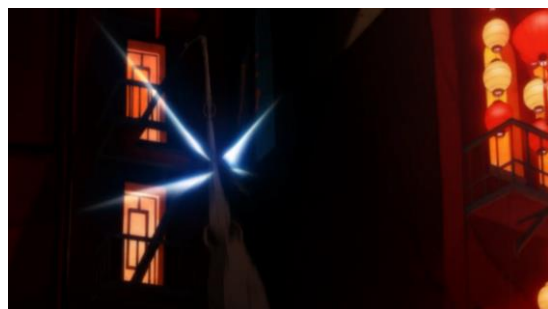


تق





هوووج



تق



خررچ





تلق







شترق



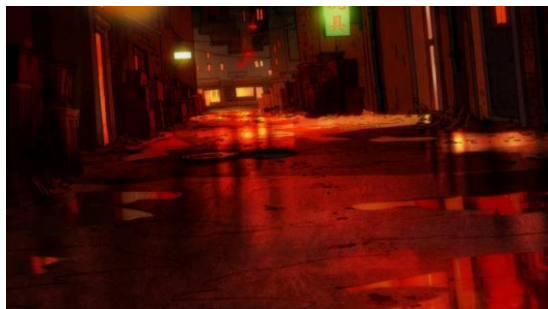
هوووو



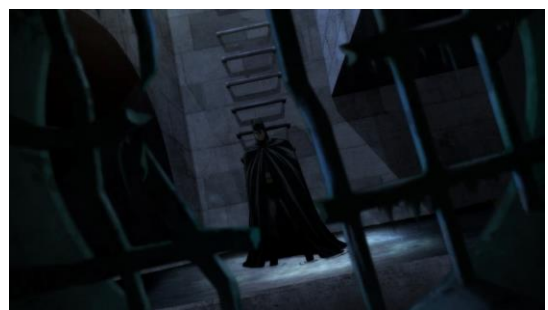


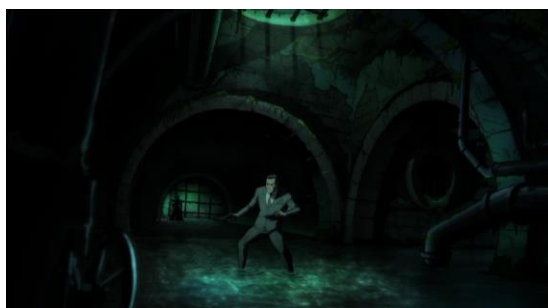
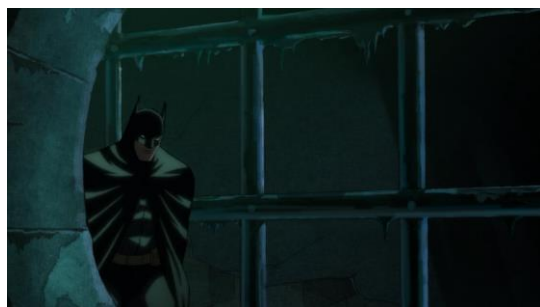
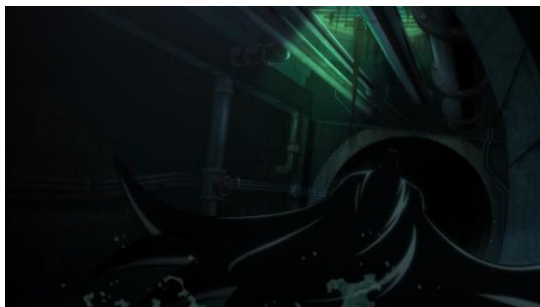
بوم: بوم: بوم





شلیپ





بتمن: دیگه راه فراری نمونده...



بتمن: بهم بگو کی استخدامت کرد تا هاروی دنت رو بکشی؟



تبیهکار: برو به جهنم!



بنگ



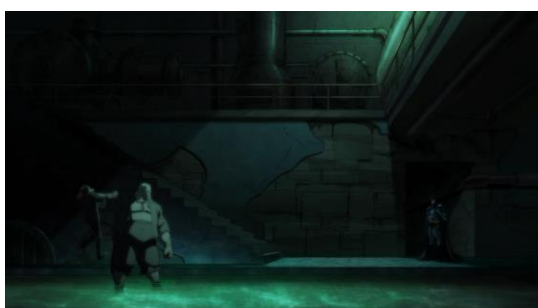


بتمن: الان تو با پای خودت اومدی توی جهنم!



تبهکار: کمک!





بتمن: اینجا قلمرو توئه، اونو به من بده و مطمئن شو که دیگه پاشو اینجا نمیذاره...



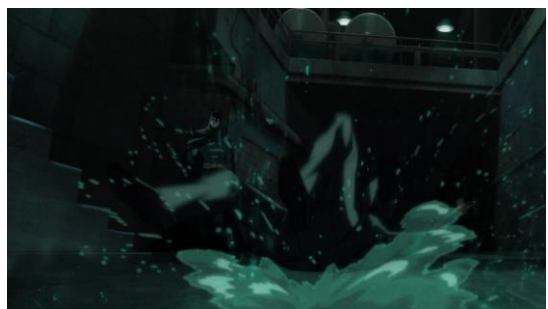
سلیمان گراندی: خررررررررر!



بتمن: تو می تونی تنها باشی...

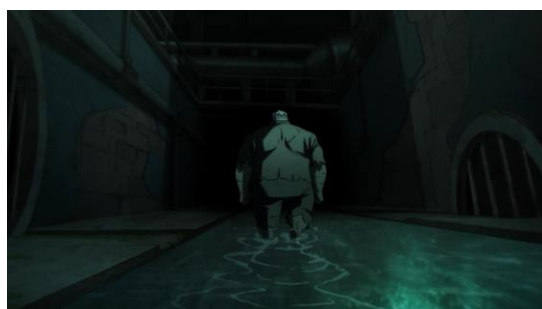


هووووچ

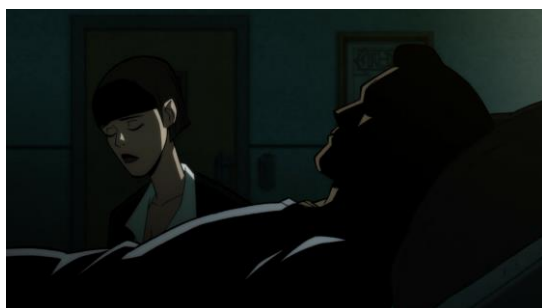
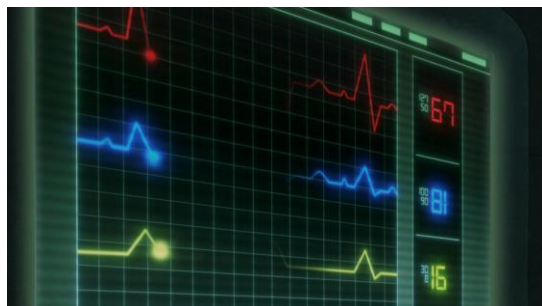
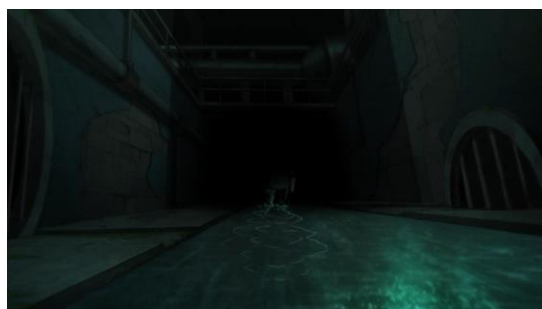


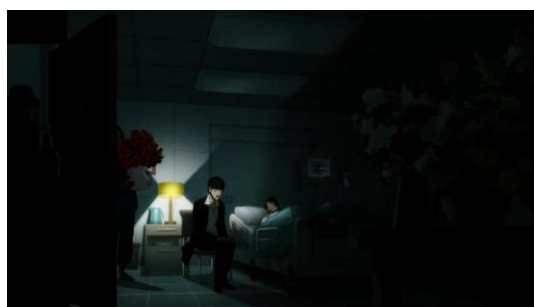
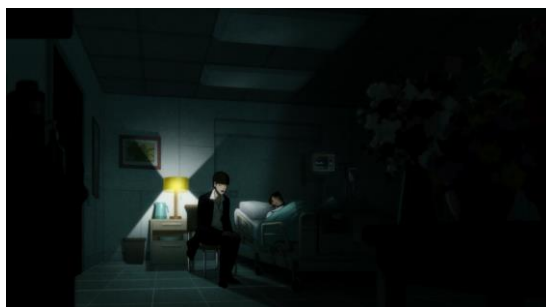
شلیپ





سلیمان گراندی: گراندی روز دوشنه متولد شد...





پرستار: یکی دیگه برای شما...



گیلدا دنت: خدای من، مردم چقدر به هاروی لطف دارن!



پرستار: اوه، این یکی برای شوهرت نیست، برای خودته!

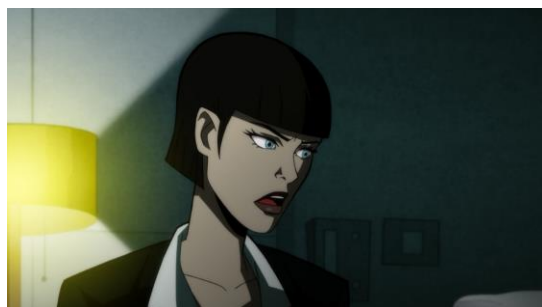


پرستار: از طرف آقای فالكونی...

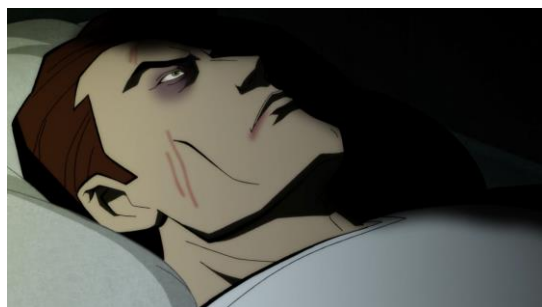


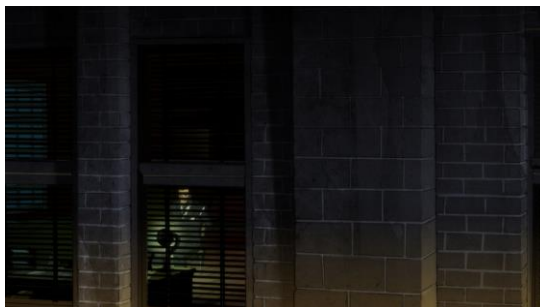


پرستار: متاسفم خانم...



گیلدا دنت: مهم نیست!

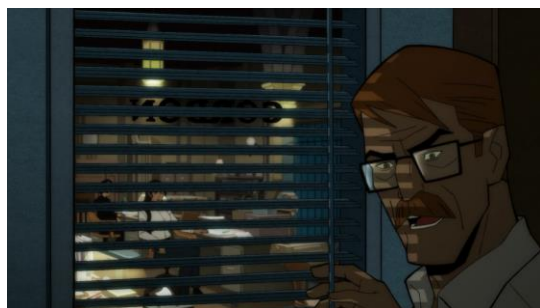




جیمز گوردون: نمی‌خوام اینجا باشم...



جیمز گوردون: همین الان همسرم بوقلمون طبخ می‌کنه و...

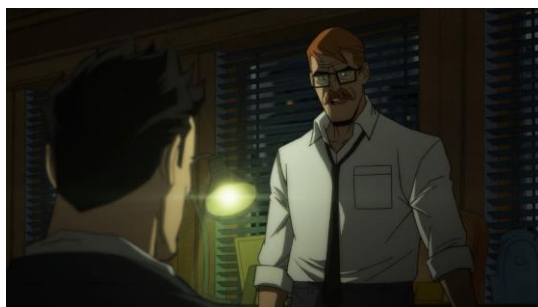


جیمز گوردون: من عاشق خوردن شام کنار خانواده‌ام هستم!





جیمز گوردون: خب، فقط بگو درباره بمب توی خونه دادستان چی می‌دونی؟



جیمز گوردون: بعدش هممون می‌تونیم بریم یه چیزی بخوریم...



تب‌هکار: من اصلاً کارماین فالكونی رو نمی‌شناسم!

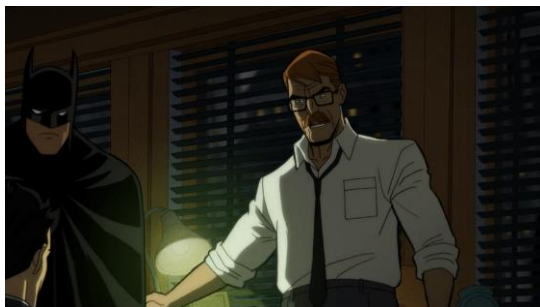




بتمن: فالكونی به تو پول داد تا تو اونو از شر دنت خلاص کنی...



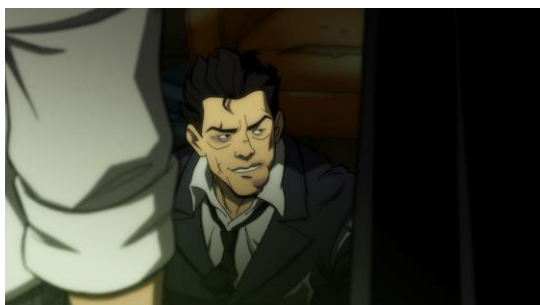
بتمن: رد تو همه جا هست!



جیمز گوردون: ببین، تو باید کمکم کنی دوستم رو آروم نگهدارم...



جیمز گوردون: یه چیزی بگو!



تبیهکار: یکی سعی داره برام پاپوش درست کنه، وگرنه من کاملاً بی گناهم!



بتمن: صندلی برای مظنون هاست، این یارو که بی گناهه...



شترق



تلق



تف!



جیمز گوردون: خیلی خب، آروم باش!



جیمز گوردون: فکر کردم می‌دونی که قوانین رفتار با مظنونین چطوریه...



جیمز گوردون: اینکارا ما رو به جایی نمی‌رسونه، اگه اون صدمه ببینه...



تبیهکار: شاید شماها باید قبول کنین که هیچ چیزی بر علیه من ندارین...



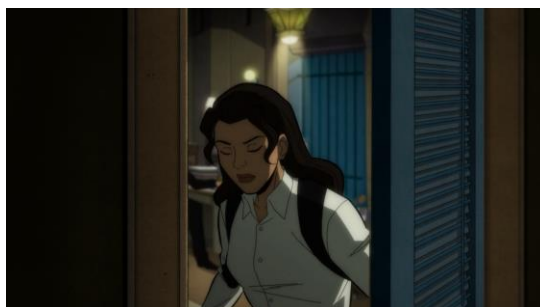
تبیهکار: چون اگه داشتنین، تا الان زندانیم می‌کردین!



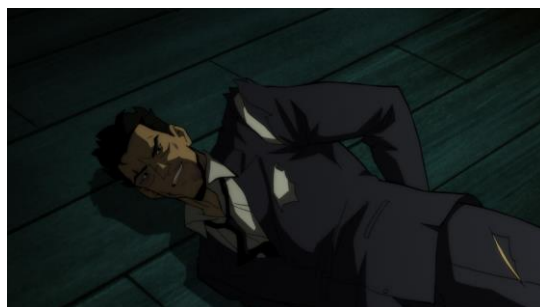
جیمز گوردون: به خاطر خدا، بتمن!



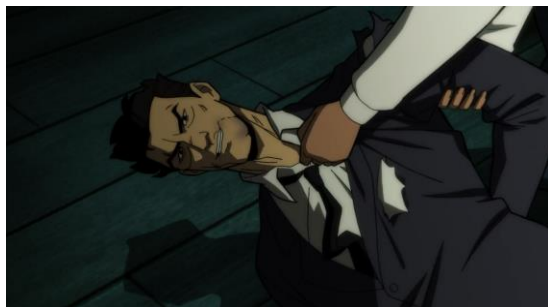
جیمز گوردون: سروان مونتایا!



جیمز گوردون: این مرد رو به بیرون راهنمایی کن...



تبیهکار: شاید بهتر باشه از کسی که اون بمب رو جاسازی کرده ممنون باشین...



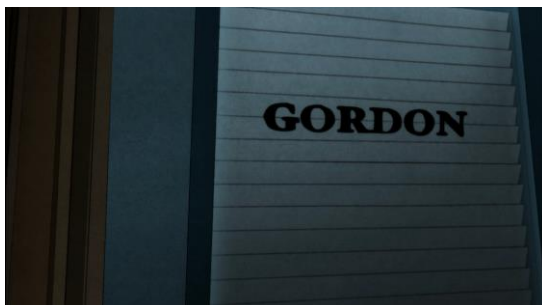
جیمز گوردون: چی گفتی؟!



تبہکار: تو هنوز نفہمیدی، کی جانی ویتی رو کشتہ؟!



جیمز گوردون: از جلوی چشمام دورش کن!



جیمز گوردون: درسته که توی مشتزدن مهارت داری، ولی اصلا کارآگاه خوبی نیستی!



بتمن: من پیداش کردم، مگه نه؟!



جیمز گوردون: فقط پیدا کردن اونا مهم نیست، باید بفهمی که اونا چجوری به پروندت کمک می کنن...



جیمز گوردون: این یارو فقط یه ماهی کوچیکه که فالكونی ازش مراقبت می کنه!



بتمن: پس هیچوقت اعتراف نمی‌کنه، ما باید بهشون نزدیک بشیم تا وقت مناسب زمینشون بزنین!



جیمز گوردون: همین‌طوری ادامه بده تا دادستان بشی!



بتمن: هاروی هنوز نمرده...



جیمز گوردون: و قاتل هم نیست...



جیمز گوردون: مهم نیست که اون عوضی چی فکر می کنه...



جیمز گوردون: هاروی حتی یه تفنگ هم نداره، چون مجوزش باطل شد...



جیمز گوردون: قضیه اینجوریه، فالکونی ویتی رو کشته و دستور داده به دنت حمله کنن...



بتمن: ساده ترین توضیحه، و شاید هم درست باشه...



جیمز گوردون: خیلی خب، دیگه دیروقت؛ باید برم...



جیمز گوردون: تو هم بهتره که بری و شب شکرگزاری رو با خانوادهات بگذرونی...



جیمز گوردون: هر چند فکر نکنم به موقع برسم!

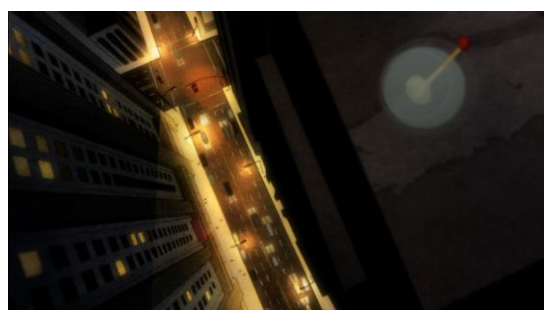
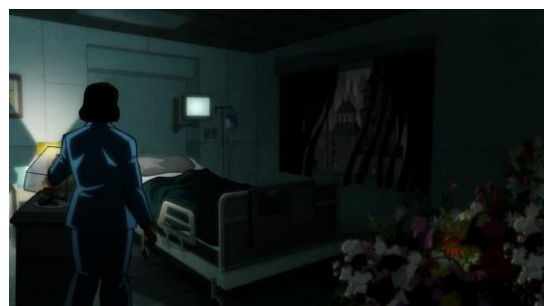




پرستار: خب مطمئنم که خانمتون رفته یه چیزی بخوره، شما هم...



پرستار: خدای من!





کارماین فالكونی: رازش نعناست، تو فقط تازه‌ترین برگ از جوان‌ترین گیاه می‌خوای...



کارماین فالكونی: در غیر این صورت، غذا دست‌نخورده می‌شه!



کارماین فالكونی: قدرت ما همه چیزه!



کارماین فالكونی: ما چیزای زیادی داریم که باید بابتش شاکر باشیم، آلبرتو...



آلبرتو فالكونی: مثل چی؟!



کارماین فالكونی: سلامتی، خانواده...



آلبرتو فالكونی: چیزی ازش باقی مونده؟



کارماین فالكونی: اگه منظورت پسرعمهات جانیه، به موردش رسیدگی شده!



آلبرتو فالكونی: با یه بمب جاسازی شده؟!



کارماین فالكونی: و فکر می کنی کی دستورش رو داد؟



آلبرتو فالكونی: البته!



کارماین فالكونی: چیزی هست که بخوای بگی؟



آلبرتو فالكونی: نه، پدر...



آلبرتو فالكونی: جز اینکه هاروی دنت هنوز زنده است!



تلق



کارماین فالكونی: چون من اجازه دادم!



کارماین فالكونی: البته فعلاً...



کارماین فالكونی: این چیزیه که همش در موردش حرف می‌زنم...



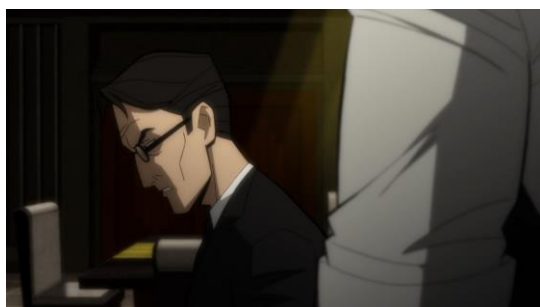
کارماین فالكونی: این آکسفورده، جایی که ذهنت رو مسموم کرد، آلبرتو!



کارماین فالكونی: تو حالا باید جایگاهت رو پیدا کنی...



کارماین فالكونی: و من هیچوقت نباید تو رو اونجا می فرستادم!



آلبرتو فالكونی: خطرات مستقل فکر کردن...





کارماین فالكونی: جنابعالی کی مستقل عمل کردی، که خانواده ازش سود ببره؟!



آلبرتو فالكونی: شاید وقتی که گل ها رو فرستادم به اتاق دنت توی بیمارستان، با امضای فالكونی!



کارماین فالكونی: چیکار کردی؟!



آلبرتو فالكونی: گل فرستادم!



آلبرتو فالكونی: فکر کردم سوظن رو از ما دور می کنه، اگه به نظر بیاد که به سلامتیش اهمیت می دیم...



آلبرتو فالكونی: فکر کنم می خوام بگی حرکتت ناشیانه بوده...





کارماین فالکونی: می تونم اشتباهت رو ببخشم...



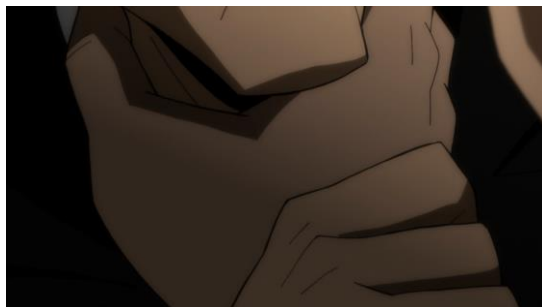
کارماین فالکونی: چیزی که نمی تونم تحمل کنم، اینکه تو ادعا می کنی بخشی از خانواده ای...



کارماین فالکونی: بازار برات روشن کنم، هر تصویری که ممکنه درباره گرفتن علایق تجاری ما...



کارماین فالکونی: و شروع کردن یه دوره جدید داشته باشی...



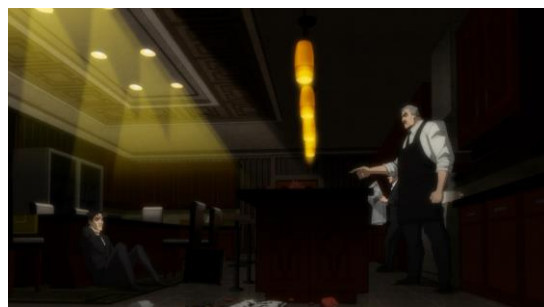
کارماین فالكونی: یه توهم رقت‌انگیزه!



ترق



آلبرتو فالكونی: آه!



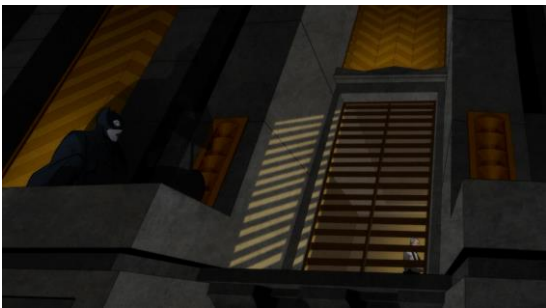
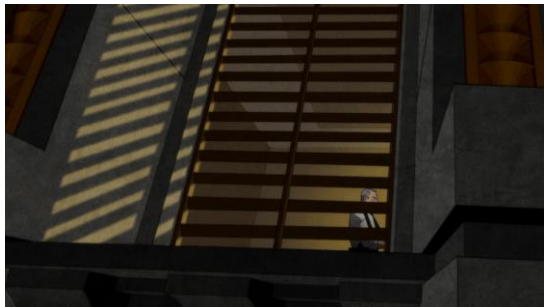
کارماین فالكونی: تو ضعیفی، نقطه ضعف تو تقصیر منه...



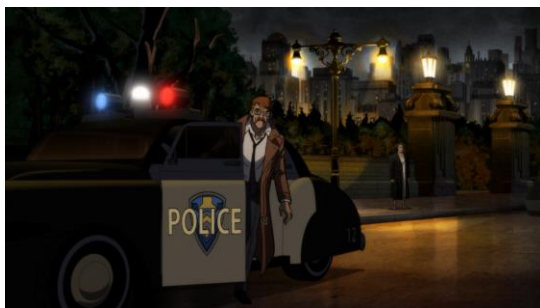
کارماین فالكونی: تو نباید هیچ ارتباطی با آقا و خانم دنت داشته باشی...



کارماین فالكونی: بحث دیگه تمومه!







جیمز گوردون: هاوری!



هاروی دنت: من یه تماس از بیمارستان داشتم که گم شدی...



جیمز گوردون: یه جورایی حدس زدم که اینجا پیدات می‌کنم!



هاروی دنت: نمی‌تونستم دیگه بیمارستان رو تحمل کنم، خواستم یه قدمی بزنم...





جیمز گوردون: بیا برت گردونم...



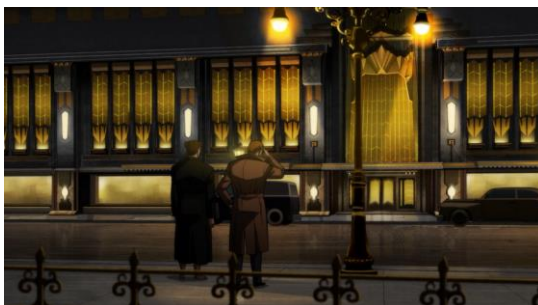
هاروی دنت: نه، دوست دارم بیرون بمونم!



جیمز گوردون: من دارم میرم خونه، برای شام شکرگذاری، تو هم بیا...



هاروی دنت: گرسنه نیستم.



جیمز گوردون: هاروی، اینجا چیکار می کنی؟!



هاروی دنت: نمی‌دونم!



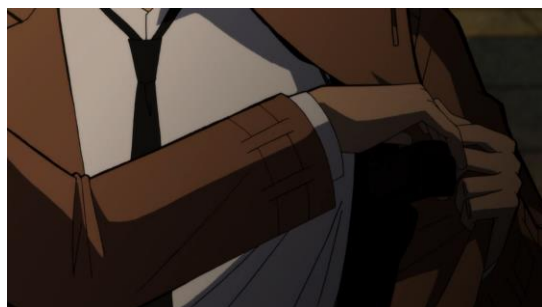
هاروی دنت: شاید هنوز آماده نبودم...



هاروی دنت: فکر کنم دیگه باید برگردم، نگران من نباش...

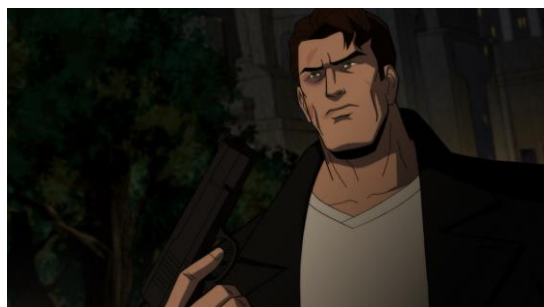


جیمز گوردون: خیلی خب، دوست من...



جیمز گوردون: تا جایی که من می‌دونم، ممکنه به این نیاز داشته باشی...



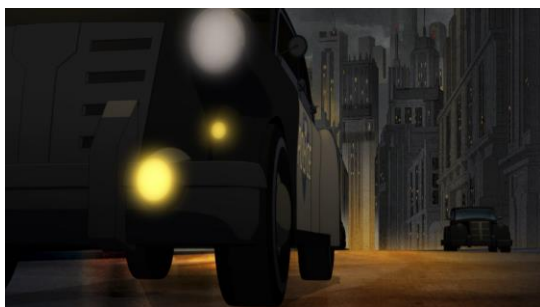


جیمز گوردون: فالکونی‌ها قاتلن، و برای اونا تو دشمن خطرناکی هستی...



جیمز گوردون: از همسرت محافظت کن!





کارماین فالکونی: واسه همین بهش یه پیشنهاد دادم، می دونی...



تبہکاران: ہاھاہاھاھا



تپ تپ





کارماین فالكونی: به سلامتی خانواده...



کارماین فالكونی: و اون عزیزی که رفت...



کارماین فالكونی: و عزیزانی که مفتخریم شاهد حضورشون در کنارمون باشیم...



کارماین فالكونی: بیاید به خاطر اینکه هنوز باهمیم، شکرگذار باشیم!



کارماین فالکونی: به سلامتی!



تهبکاران: به سلامتی!





تبہکاران: به سلامتی!



تبیهکار: خیلی حال اون خفاش رو گرفتی!

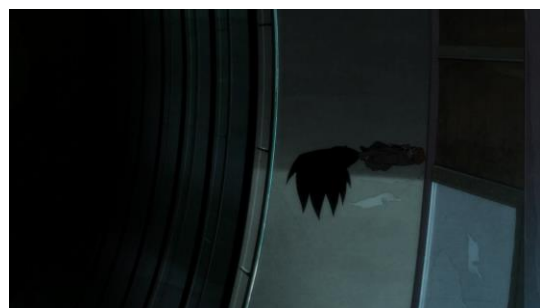






بنگ بنگ بنگ بنگ بنگ بنگ

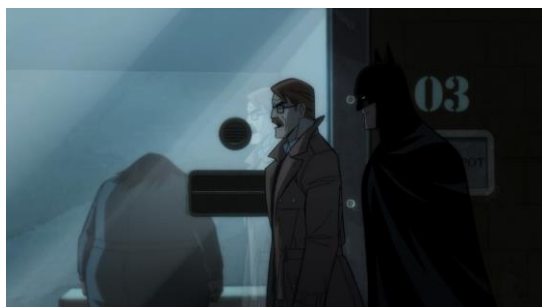




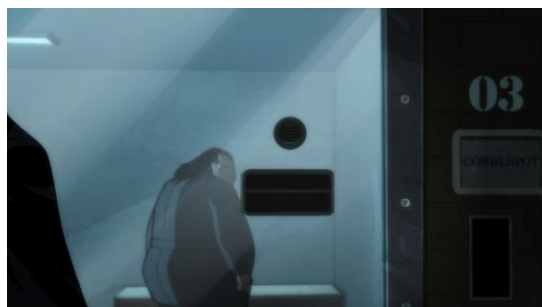
بتمن: برای این به من نیازی نداری، الان باید اون بیرون مشغول باشم...



جیمز گوردون: ما بیرون رو تحت پوشش دادیم...



جیمز گوردون: کل نیروی پلیس گاتهام تا آخر شب توی کل شهر مستقر میشن...



جیمز گوردون: هر چند سخته كه زمان تعطیلات، كسی مرخصی نره...



جیمز گوردون: دستور دادم تمام وقت مراقب باشن، تصمیم هاروی بود...



بتمن: تصمیم درستیه!





کلندرمن: خب...



کلندرمن: قاتلی که توی تعطیلات کار می‌کنه و امروز هم که 24 دسامبره...





کلندرمن: تعجب کردم که به دیدن من اومدی، بتمن!



بتمن: من کل روز رو وقت ندارم. کی جانی ویتی رو شب هالووین به قتل رسوند؟



کلندرمن: همون کسی که دسته حقوق‌بگیرای فالكونی رو عید شکرگذاری کشت!



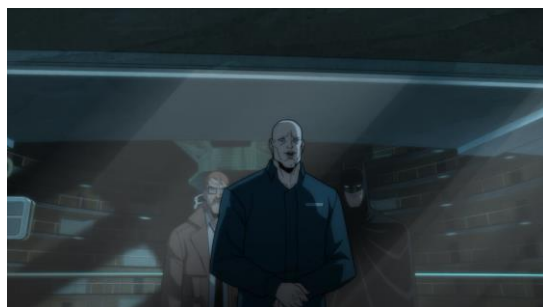
جیمز گوردون: به یه جواب بهتر نیاز داریم...



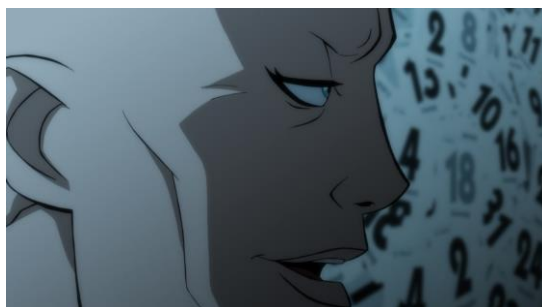
کلندرمن: ویتی خواهرزاده فالکونی بود، پس مظنون اول فالکونیه!



کلندرمن: از اونجایی که این مسخره‌بازیا به فالکونی نمی‌خوره، میریم سراغ مظنون دوم...



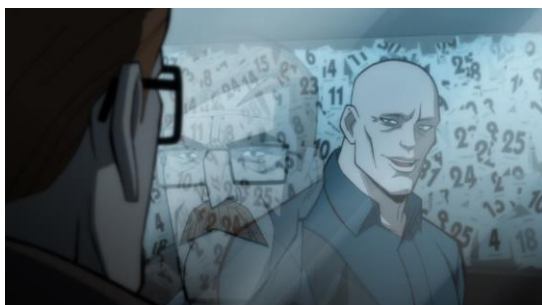
کلندرمن: کسی که امیدواره امپراتوری فالکونی نابود بشه...



کلندرمن: مثل سالواتور مارونی، این احتمالش از بقیه بیشتره...



جیمز گوردون: بقیه چیه؟!



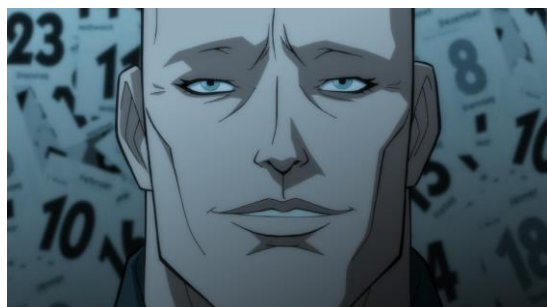
کلندرمن: گند زدی، مرد!



بتمن: وقت تلف کردنه!



کلندرمن: بهت گفتم آقای دنت رو هم بیار، ولی تو فقط بتمن رو آوردی!



کلندرمن: شاید چون توی آرکهام جای دنت امن نیست...



جیمز گوردون: درسته، اون همه شماها رو اینجا انداخته، شماها تشنه به خونشین...



جیمز گوردون: پس اون بیرون جاش امن تره!



کلندرمن: شاید...



کلندرمن: یا شایدم نمی‌دونه که شماها الان اینجاییں...



کلندرمن: شاید دادستان، خودش یه مظنونه!



کلندرمن: خب، البته...



کلندرمن: هوشمندانه است، یه نقشه برای زمین زدن فالكونی...



جیمز گوردون: هاروی دنت، قاتل نیست!

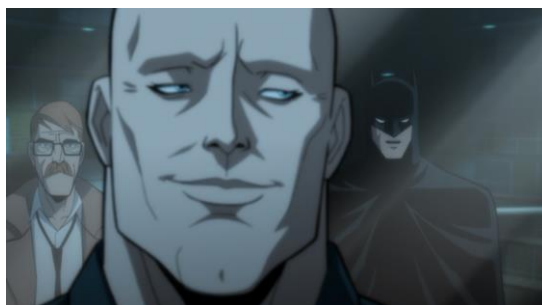




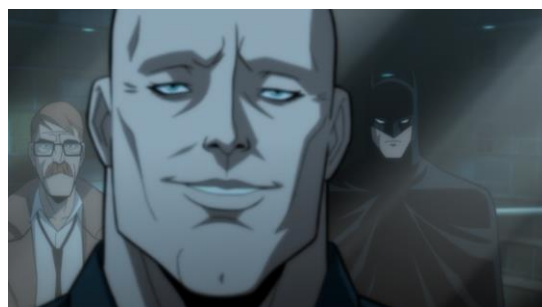
کلندرمن: مگه اینکه دو تا چهره داشته باشه...



کلندرمن: مثل مبارز شنل پوشمون که اینجاست!



بتمن: چرا خواستی من پیام ملاقات؟!



کلندرمن: یعنی خودت نمی تونی بفهمی؟!



بتمن: برای دیوونه‌ها وقت ندارم!



کلندرمن: جدی؟!



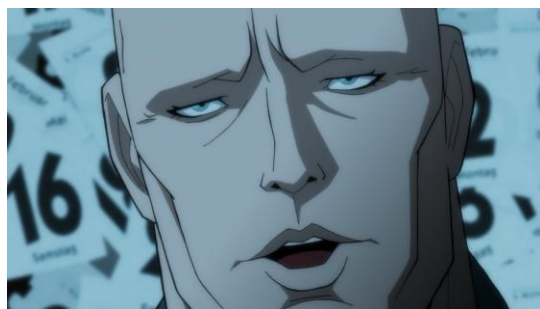
کلندرمن: یه عالمه دیوونه این روزا زدن بیرون...



کلندرمن: و وقتی حس می‌کنی از شر همه چیز خلاص شدی...



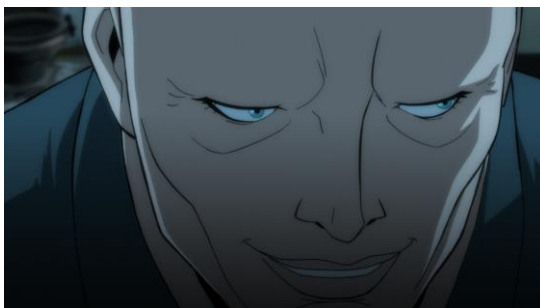
کلندرمن: بدترین کابوست از قفسش خارج میشه...



کلندرمن: مثل یه جوک می‌مونه!



بتمن: نه!



کلندرمن: تعطیلات بهت خوش بگذره!





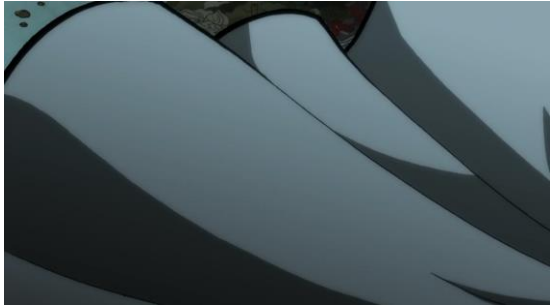
بتمن: بازش کن!



نگهبان: من اجازه ندارم...









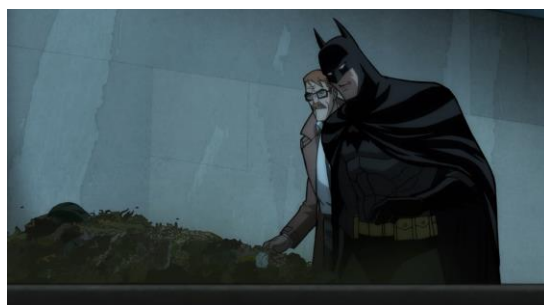
نگهبان: اون یکی رو فرستاده بود سراغ زنم...



نگهبان: گفت اگه بهش کمک نکنم...



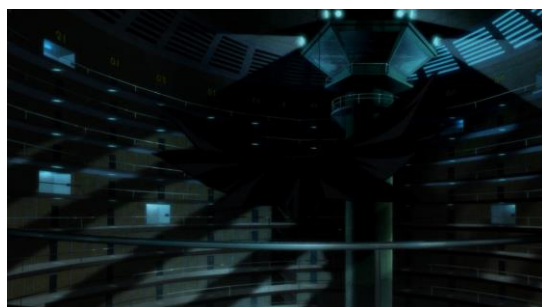
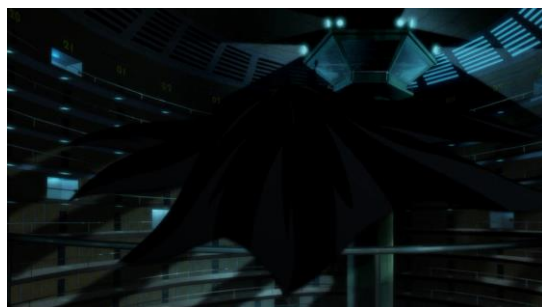
نگهبان: من چاره‌ای نداشتم!



بتمن: هاروی توی خطرره...



جیمز گوردون: عجله کن!



ادامه دارد...

DC DELUXE

BATMAN

THE LONG HALLOWEEN

JEPH LOEB TIM SALE

